



احسان لمر

معرفی استاد «عبدالغفور برشنا» ستاره ئی در هفت آسمان هنر در قاموس کبیر افغانستان

قاموس کبیر افغانستان، در کنار شرح لغات و مجمع اللغات به معرفی تاریخ، جغرافیه، اقتصاد، معارف، صحت عامه، شخصیت‌های فرهنگی، مانند شعراء، نویسندگان، هنرمندان و خدمتگزاران ملی این کشور نیز می پردازد. پورتال افغان-جرمن آنلاین و قاموس کبیر افغانستان هر دو مسؤلیت خود می دانند که در خصوص معرفی شخصیتها، بدون تبعیض و کینه های فردی، برای مردم معرفی کند. منظور آنست تا خوانندگان به کشور خود و داشته های آن آشنا گردند.

نوع محتوا	تخصص	معلومات مکملتر	بیوگرافی مختصر	اسم یا تصویر کلمه	مختصات افغانستان
شعراء، نویسندگان، هنرمندان و خدمتگزاران	رسم، لیتوگراف، موسیقیدان	استاد عبدالغفور برشنا ستاره ئی در هفت آسمان هنر	«استاد عبدالغفور برشنا فرزند سردار امیر محمد خان، امیر محمد خان فرزند محمد علی خان و محمد علی خان فرزند پیر محمد خان برادر امیر دوست محمد خان است. محمد علی خان برادر زاده امیر دوست محمد خان با فاطو جان (فاطمه جان) دختر امیر دوست محمد خان ازدواج کرده بود. فاطو جان دختر خیلی حسین و زیبا و خطاط ماهر بود، نستعلیق و شکسته را به مهارت و هنر مندی خاص می نوشت. امیر دوست محمد خان به فاطو جان علاقه خاص داشت و او را همیشه لباس بچه گانه پوشانده و با خود به دربار می آورد و به لقب آغه جان (آغا جان) صدا میزد. از فاطو جان و محمد علی خان دو پسر بجا ماند، یکی محمد ابراهیم و دیگری امیر محمد که اخیر الذکر پدر استاد برشنا است. استاد برشنا خصوصیت هنری خود را از مادر بزرگ خود (فاطمه جان) به ارث برده است.»		غفور برشنا



موصوف در سال (1285 ش - 1906 م) در شهر کهنه کابل در همجواری منزل پروفیسور غلام محمد میمنه گی بدنیا آمده و در (22 جدی 1352 - 12 جنوری 1974 م) درست یک هفته بعد از اشتراک در «محفل توزیع جوایز مطبوعاتی که چشم مجلسیان به سیمای ان مرد فرهنگی روشن روان روشن میشود بعمر ۶۷ سالگی چشم از جهان می پوشید»¹

«استاد عبدالغفور برشنا فرزند سردار امیر محمد خان، امیر محمد خان فرزند محمد علی خان و محمد علی خان فرزند پیر محمد خان برادر امیر دوست محمد خان است. محمد علی خان برادر زاده امیر دوست محمد خان با فاطو جان (فاطمه جان) دختر امیر دوست محمد خان ازدواج کرده بود. فاطو جان دختر خیلی حسین و زیبا و خطاط ماهر بود، نستعلیق و شکسته را به مهارت و هنر مندی خاص می نوشت. امیر دوست محمد خان به فاطو جان علاقه خاص داشت و او را همیشه لباس بچه گانه پوشانده و با خود به دربار می آورد و به لقب آغه جان (آغا جان) صدا میزد.

¹ - سلیمان امیر 2020/11/23 فیس بوک

از فاطو جان و محمد علی خان دو پسر بجا ماند، یکی محمد ابراهیم و دیگری امیر محمد که اخیر الذکر پدر استاد برشنا است. استاد برشنا خصوصیت هنری خود را از مادر بزرگ خود (فاطمه جان) به ارث برده است.²

استاد برشنا تعلیمات ابتدائی را در مکتبی بنام (ترقی) در دوره امانیه به پایان رسانیده و سپس شامل مکتب حبیبیه وقت گردید، او کودکی بیش نبود که میل به آفرینش های هنری در او جان گرفته و مهارت ها و توانایی هایش مخصوصا در هنر نقاشی، استادانش را به حیرت و تعجب می انداخت.

«در سال 1921 م که هنوز 14 سال از عمرش نگذشته بود، شامل اولین گروپ شاگردان جوان به هدایت و رهنمائی پادشاه معارف پرور کشور اعلیحضرت غازی شاه امان الله جهت تحصیل به کشور آلمان اعزام گردید. او در برلین، الیزیک، بارمن و مونشن هنر رسامی، لیتوگرافی و فن جدید مطبوعه و چاپ را فرا گرفت و یکی از شاگردان ممتاز «ماکس لیبرمن» بود.



این تابلو هم از نقاشی های استاد برشنا می باشد

او در 21 سالگی با خانمی بنام «مارگریتا نویفیند» آشنا شد و با او ازدواج کرد. خانم آلمانی تبار هنوز نو عروس بود که کشورش را ترک کرد و بمعیت شوهر رخت سفر بر بست و هر دو در سال (1928 م) روانه افغانستان شدند.³

استاد برشنا، در آغاز دوره نادر خان که 23 یا 24 ساله بود غرض تحصیلات عالی در رشته طب به آلمان فرستاده شد، اما او که این رشته را مطابق ذوق خود نمی دید، از دولت وقت تقاضا کرد تا زمینه تحصیل را در رشته هنر نقاشی برایش مساعد سازند، و خودش در یکی از مصاحبه های رادیویی اش با زنده یاد داود فارانی گفته بود: «من قبل از سفر به آلمان سر مفتشین صدراعظم هاشم خان گفتم که ممکن است یک داکتر شوم، اما یک داکتر بد، اما ممکن است یک نقاش خوب شوم. آنها در جوابم گفتند که: امروز در افغانستان نقاشی به کدام درد ما می خورد؟»

² - <https://www.kabulnath.de/Sale-e-lejazdaoum/Shoumare-bakhtaryaani.html245>

³ - دکتر عبد الله کاظم - یک صد و ششمین سالگرد تولد استاد عبدالغفور برشنا - 2013/04/15 سایت افغان جرمن

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در موسیقی هم برادر من به پیش (استاد نوروز) برادر (استاد قربان علی) شاگرد بود، و من در گوشه ای می نشستم و گوش می کردم یک روز از من (استاد نوروز) پرسید که : توهم شوق داری ؟

من گفتم: بلی، همان چیز هائی که شما درس دادید، من هم همان ها را یاد دارم. و سپس آن را خواندم و استاد نوروز آن را خوش کرد و از آن تعریف کرد»⁴

استاد کارش را منحصراً ترجمان در انجمن ادبی کابل (1310 ش - 1932 م) آغاز نموده و در پهلوی وظایف دولتی با علاقمندی تمام اساسات موسیقی را نزد استاد نوروز، استاد غلام حسین و استاد قاسم فرا گرفته و نیز مهارت نقاشی را از پروفیسور غلام محمد میمنه گی بهره مند گردیده و با آغاز کار مجدد رادیو کابل در سال (1320 ش - 1942 م) با سرور گویا اعتمادی اولین نطق و مدیر اداره رادیو کابل آن وقت در کوتی لندن واقع پل هارتن کابل بطور فعال همکاری می نمود. از این که در خاتمه جنگ جهانی دوم اتباع المانی کابل را ترک نموده و تقریباً دروس المانی مکتب امانی (نجات آن وقت) به رکود مواجه گردد استاد برشنا در تدریس مضمون المانی و سایر مضامین در آن مکتب با جلب همکاری دوستانش با اهتمام دلسوزانه مکتب را از سقوط کامل نجات میدهد.

استاد برشنا با قرار گرفتن در سمت مدیریت نشریات رادیو کابل با زحمت فراوان برای اولین بار موفق گردید پای خانم های هنر مند را به رادیو وقت بکشاند چنانچه قبلاً نوشتیم: «از طریق یک دوستش که شوهر خاله خدیجه جان ضیائی (خانم پروین) بود از چگونگی استعداد و آواز شیوای وی با خبر میشود. استاد به همراهی دوستش ترتیبی می گیرد تا در آن عصر پرده نشینی و چادری و دلاق و جامعه نهایت بسته به خانه خانم «بی بی کو» مادر خانم پروین رفته آواز شگرف دخترش را به آزمون بگیرد، وی در یک روز در بهار سال (1329 ش - 1951 م) به همراهی استاد عبدالرشید لطیفی و لوازم ثبت صوت و تعدادی نوازندگان به منزل شان رفته از پشت پرده روی گیری این آواز پر آوازه را ثبت کنند که

سلسله موی دوست حلقه دام بلا است هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجرا است

تا آنکه در سال بعد استاد برشنا که در رادیو کابل سمت و مقامی داشت «خانم پروین» را به اجازه مادرش با چادری به رادیو کابل وقت برده و یک غزل استاد ابراهیم خلیل و کمپوز از استاد غلام حسین را ثبت نمودند.

گل فروشم ز من گلی بخرید یک دو سه دانه سنبلی بخرید»⁵

همچنان بعد از خانم «کوثر نورانی» که اعلانات را می خواند، اولین خانم که اخبار شب را قرائت کرد «آمنه جان ملک زاده» دومین «رقیه ابوبکر حبیب» و سومین «لطیفه کبیر سراج» که در زمان تصدی ایشان و پوهاند استاد عبدالاحمد جاوید به رادیو راه یافتند.

در عین حال استاد برشنا بکار سناریو نویسی درامه ها انهماک داشته و در همان سال (1329 ش) درامه مشهور لالا ملنگ را به همکاری عبدالرحمن بینا، محمد عثمان صدقی، رشید لطیفی، مهدی ظفر و دیگران در سالون سینما تیاتر (پوهنی ننداری) در جوار چمن فوتبال لیسه استقلال به نمایش می گذارند. سالهای بعد از آن نمایش رجال سر شناس کشور درامه لالا ملنگ را منحصراً اولین اقدام مهم در معرفی هنر تیاتر و تمثیل از نگاه طنزی و کمیدی تمجید نموده و آن نمایش را در سطح منطقه بی مانند توجیه می نمودند .

⁴ - خلمی رزمی - استاد عبدالغفور برشنا گران مایه ای با هنر های گوناگون - کابل ناته- سال سوم شماره 59 اکتبر 2007 میلادی.

⁵ - از این قلم - خدیجه ضیائی «خانم پروین» مورخ 2018/08/12
http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/lemar_e_khanem_parwen.pdf

بهمین صورت استاد برشنا در کمپوز پارچه های موسیقی از خود یک نیوغ خارق العاده نشان داده چنانچه یکی از کمپوز های وی را (vocalist) آواز خوان پر اوازه هند استاد (منادی) در آهنگ:

(اومیری زهره جبین) به خوانش می گیرد که افتخار ان متوجه استاد برشنا می باشد .

کمپوز آهنگ:

ای نگار من، ای نگار من یک دمی بیا در کنار من

پیش از آنکه من از جهان روم، سبزه سر زند از مزار من

به آواز جلیل احمد خلاند و همچنان شعر همیشه جاویدان استاد ابراهیم صفا را کمپوز نمود که بار نخست استاد عبدالوهاب مددی

سپس هنرمندان دیگری کشور و هم همسایه گان (تاجکستان و ایران) به خوانش گرفتند

من لاله ی آزادم خود رویم و خود بویم در دشت مکان دارم هم فطرت آهویم

استاد در نوشتن سناریو و درامه ها نیز ید طولا داشته و نیز مقالات و ترجمه های وی بطور مرتب در ماهنامه انجمن تاریخ، هفته نامه ژوندون - روزنامه انیس و سایر نشریات کشور اشاعه می گردید. (سفارت روسیه تزاری به دربار امیر شیر علی خان - نوشته ج. ل. یاورسکی) «خاطرات طیب سفیر روس در دربار امیر شیر علی خان به ترجمه استاد برشنا نه تنها که خاطرات گفته میشود بلکه یک معرفی نامه ای از بالاحصار و دربار امیر شیر علی خان و سفر کاری ولی تراژیک او به مزارشریف و روی کار آمدن امیر یعقوب در کابل و حوادث و واقعات نیمه دوم قرن نهم کشور را بیان و گذارش میدهد. مهم تر آنکه کتاب مذکور که یک تاریخ ناول گونه (بشیوه آثار الکساندر دوما) تحریر شده به حدی دلچسپ بنگارش آمده و به بیان ملیحی ترجمه شده است که خواننده را مجذوب و مسحور می سازد».⁶

«(تونل)، (لالا ملنگ) و (مریض عشق) از نمایش نامه های پر سرو صدای اوست. استاد برشنا در کنار این همه فعالیت های ثمر بخش در سرودن شعر و داستان نویسی نیز دست توانایی داشت مجموعه اشعار و داستان ها، قصه ها و افسانه هایش (کاکه اورنگ و کاکه بدرو)، (قفل دل) (نیکی و بدی) (لیان دختری پادشاه باختر) (باد آورده را باد می برد) (یک فامیل کوچی) و غیره سالها قبل به چاپ رسیده است.

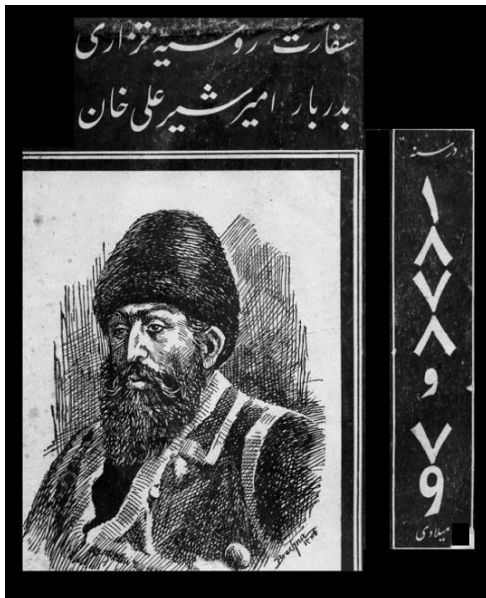
گفته میشود که او زمانی بفلم سازی نیز روی آورده بود و فلم برداری فلم هنری را در اتحاد شوروی رهبری میکرد».⁷

در اواخر عمر پر افتخار و پر بارش استاد عبدالغفور برشنا به مرض شکر مصاب بود که در اثر همان تکلیف داعی اجل را لبیک گفته و در مزارستان شهدای صالحین کابل طی مراسم رسمی به اشتراک عبالرحیم نوین وزیر اطلاعات و کلتور و نعمت الله پژواک وزیر داخله ان وقت و پسر جوانش عبدالله برشنا و تعداد کثیری از اهالی کابل منجمله شاگردان استاد و هنرمندان و هنر دوستان بخاک سپرده میشود.

از خصایل قابل یاد اوری استاد برشنا به تائید یاد داشت های رجالی چون استاد "آصف آهنگ" و دیگران آن است که نام برده علی رغم

6 - سلیمان امیر

7 - حلمی رزمی



د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

مقام شامخي که در رشته های متنوعه هنر داشته و با داشتنن مناصب مهم دولتی و منسوب بودنش به یکی از فامیل های سر شناس و ارستوکرات کشور در یکی از کوچه های شهر کهنه کابل زندگی داشته و در لباس و طعام و سایر امور زندگی همانند توده ها و عوام الناس رفتار نموده و با همه دوکانداران محل سکونت خویش با انواع مطایبه ها و مذاق های باب روز عادت داشته چنانچه مذاق های نامبره با «کاکه حیات» میوه فروش آن گذر تا سالها زبان زد کابلی ها بوده است.

«نشان یا سمبول آریانا افغان هوایی شرکت که از سه حرف انگلیسی A ترکیب شده مخفف آریانا افغان ایرلینز Ariana Afghan Airlines است. این طرح شبیه یک طیاره است و هم شکل سر تیر را دارد که بیانگر سرعت آنست، هم پرستو که پیک بهار و پرنده ی مهاجر است. این سمبول با رنگ آبی (لاجوردی) که نماد از صمیمیت و آرامش روان است ترسیم شده است.»⁸



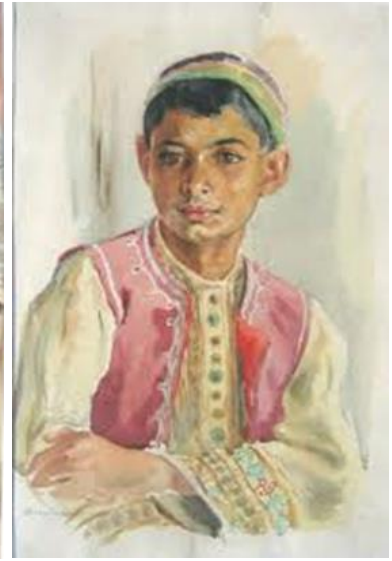
ARIANA AFGHAN AIRLINES



8 – همایون باختریان کابل ناتھ شماره 245 سال یازدهم اول اگست 2015

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



د پانو شميره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ



د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په خير و لولئ